

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید
۲۱ فبروری ۲۰۱۷

تکرار مکررات!!

اصولاً، و حداقل به دو دلیل، وقتی کسی مورد سؤال قرار می گیرد، باید جواب پرسنده را بدهد، یا توضیحاتی پیرامون نکات مبهم ارائه کند. این دو دلیل عبارتند از: یکی قبول مسؤلیت در برابر آنچه انسان گفته یا نوشته و دیگری ادای احترام به خواننده ای که با مشکلی در ارتباط با نوشته رو به رو شده است.

اما رعایت این دو اصل با تأسف همه وقت و همیشه نه مسیر است و نه لازم، به خصوص زمانی که پیرامون یک مسأله به کرات صحبت شده باشد، یا سؤال و نقد چندین بار به اشکال گونه گون مطرح و یا پاسخ گفته شده باشد.

این که چرا نوشته "دلیل این تغییر چیست"، و توضیحات بعدی قناعت برخی را، از جمله قناعت جناب "بارز" صاحب محترم را فراهم نکرده است، تا آن جا که به من مربوط است، یقیناً نقص در برداشت ها و نقص در شیوه بیان و قلم من نبوده است. نوشته، در اطراف هر مطلبی که لازم بوده است، به گونه ای تماس گرفته است. تنها چیزی که لازم بود، به عقیده من، باید خواننده قبل از خواندن مقاله ذهنش را از قضاوت ها یا باور هائی که سبب کندی ادراک می شود، خالی می ساخت، یا نوشته ها را با دقت تمام و مکث روی هر کلمه و عبارت و جمله و بند می خواند...

بدون استثناء تمام خوانندگانی که پیرامون آن نوشته نظر داده اند، انسان های باهوشی هستند. باورم نمی شود که برخی از سؤال ها یا نظریات آن ها پیرامون آن نوشته از روی کند ذهنی یا هوش کم باشد، زیرا من با نوشته های تمام منتقدان و جویندگان معلومات بیشتر آشنا هستم و می دانم که این ها چگونه به ژرف ترین مطالب و به خرد ترین مسائل توجه دارند و همواره کوشش می کنند تا منیال ها را هم ببینند و هم ناگفته نگذارند.

وقتی جناب "بارز" صاحب محترم، با آن هوش استثنائی می فرمایند که آقای "فروغی" چون خود مسلمان است و از آن جایی که در یک کشور اسلامی به دنیا آمده و زندگی می کند، در مورد تمدن اسلامی زیر تأثیر این دو عامل قرار گرفته و ناگزیر آن چه را که برای خود وی و برای ایرانیان و مسلمانان جهان خوش آیند است مطرح می کند و من [سدید] نظریات او را برای تقویب گفتار خود نقل می کنم، پندار من این است که نوشته "دلیل این تغییر چیست" و نوشته های مرتبط بدان را به درستی و تأمل نخوانده اند، چرا که من در آن نوشته ها بسیار بیشتر از مستشرقین و از دانشمندان تاریخ نگاران غیر مسلمان و غیر شرقی یاد نموده ام تا از تاریخ نگاران و دانشمندان مسلمان و شرقی!

درجائی هم این مطلب را به صراحت یاد نموده ام که "اگر یک نقل قول از یک مسلمان آورده شده است، نقل قولی هم از یک غیرمسلمان آورده می شود، تا نگوئید که مسلمانان باید راجع به خود نظر مساعد داشته باشند و...

اگر جناب "بارز" صاحب محترم یکبار دیگر به نوشته "دلیل این تغییر..." و نوشته های مرتبط مراجعه کنند، مطمئناً با چنین تذکری رو به رو خواهند شد!!

ذکر اختلافات بر سر جانشینی پیامبر، در صورتی که من آن را با این عبارت: «جهان اسلام، بعد از اختلافاتی که بر سر جانشینی پیامبر پدید آمد و نزاع های خونبار بعد از آن...» قبلاً یاد نموده باشم، هم نشان از آن دارد که ایشان نوشته های مرا دقیق نخوانده اند.

یا این برش از نوشته مرا: «با این نظر تان هم موافق هستم که کار روی مسائل فلسفی و علمی از آغاز خلافت [از زمان شروع آن در سرزمین های اسلامی] تا امروز فقط تا آنجائی مجاز بود که نهاد فکری دین و اقتدار سیاسی زیر پرسش قرار نگیرد.»

یا این برش را: «اما با این هم دوره ای به وجود آمد که نه به شکل تمام و کمال و مستمر، بلکه در برش های زمانی متفاوت و بعضاً کوتاه در مکان های مختلف، گاهی بیشتر و گاهی کمتر چنین حرکت مثبتی وجود داشته است.»

یا به این نکته: «برداشت ها از قرآن مختلف است، زیرا قرآن یک بخش از زندگی انسان ها را احتوا نمی کند. اگر توجه می کردید، من در جائی از نوشته ام یاد نموده بودم که قرآن هم کتاب جنگ است هم کتاب صلح و... اگر یکی یک توصیه یا امر را برجسته می کند و با تمام قوت در اجرای آن همت می گذارد، دیگری در جای دیگر آموزه ها و دساتیر دیگرش را برجسته می سازد و بدان عمل می کند.» نیز به درستی توجه نکرده اند!

و با این یادداشت، که برای نکته سنجان و تیز هوشان گوینده خیلی از مطالب و مسائل است: «تاریخ اسلام پهلوهای مکرر و سیاه هم دارد.»

یا این سخن را: «اگر کمی بیشتر در اطراف نوشته دقت می کردید، متوجه می شدید که جواب این سؤال هم در آن مقاله موجود است: راحت طلبی، حرم سرا های متعدد و پر از زنان سیمین اندام شرقی و غربی، شراب، دست کشیدن از کار و تلاش و فعالیت و خلاقیت و پویندگی و از این قبیل حرف ها که سبب سقوط تمدن مسلمانان شد همه در مقاله دلیل این تغییر چیست قید شده است - بعد از آن هم در چندین مورد اشاراتی نموده ام. در مقاله ای که خدمت آقای "نواب دوست" نوشتیم یاد کردم که فکر نمی کنم تمدن غربی رو به تباهی برود. چرا چنین سخنی را بر زبان راندم؟ چون این تمدن پویندگی دارد. دینامیزی در تمدن امروزی وجود دارد که در تمدن آن دوره مسلمانان وجود نداشت. به همین دلیل سقوط کرد و از بین رفت.»

و یا این مطلب را: «درمقاله من تاریخ آغاز کارهای سازنده مسلمانان از زمانی ذکر شده است که عباسیان روی کار آمدند. قبل از آن چه در زمان پیامبر و چه در زمان خلفای راشدین و چه در دوران بنی امیه فضائی به وجود نیامد که مسلمانان بتوانند از بدویت خارج گردند. چرا که سخت گیری دینی زیاد بود و غیر از آن مسلمانان غیر از قرآن هیچ کتابی را اجازه نمی دادند که خوانده شود. پندار چنین بود که همه علوم و همه اسرار هستی در قرآن مضمّن است و وقتی چنین کتابی در دسترس ما قرار دارد نیازی به هیچ کتاب دیگری نیست. بنابراین به عقیده من اگر جناب "بارز" صاحب نوشته مرا دقیق مطالعه می فرمودند، نمی گفتند که آقای "سدید" باور دارند که بعد از خلفای راشدین در تمام آن دوره ها جوامع اسلامی نسبت به جوامع کاتولیک در غرب در جهت مثبت پیش رفته و متمدن تر بوده...»

از این گونه یادداشت ها در اصل نوشته و در متمم های آن زیاد وجود دارد که اگر روی آن دقت صورت می گرفت، خیلی از پرسش ها خود به خود حل می شدند و لزومی به تذکر یا سؤال مکرر دیده نمی شد.

بنابراین توقع من از جناب "بارز" صاحب محترم این است که قبل از سیاه کردن صفحات متعدد یک بار دیگر نوشته های مرا به دقت، به آرامی، با ذهنی که از هرگونه پیش داوری ها رها شده باشد، بخوانند. مطمئن هستم که خیلی از ابهامات حل می شوند و ضرورتی به پلمیک و تکرار مکررات دیده نخواهد شد.

من یادآوری این نکته بسیار مهم را ضروری می دانم که در ذهنی پر از مطالب معین و مشخص و مطلق، یا ذهنی که درهای آن به کلی بسته شده باشد، جایی برای حرف های نو وجود ندارد! ذهن را باید آزاد کرد تا از بلندی ها به هر پدیده ای همان گونه که هست، سیاه یا سپید، خوب یا بد، بزرگ یا کوچک، مضر یا مفید و... نگاه کند و بدون مانع آن چه را می بیند، همان گونه که هست، بیان کند. از طرفی برای حرف های تکراری یا حرف هائی که ثمری از آن عاید نگردد، فکر نکنم آدم های هوشیار، خواه خواننده و خواه نویسنده وقت خود را ضایع کنند!

سلامتی تان را همیشه آرزو می کنم، "بارز" صاحب محترم

۲۰۱۵/۰۲/۲۰